

آیه رحمت

ای نور رخ تو عالم آرا
ای سید و سرور دو عالم
ای بر تو خدا درود خواند
ای بارگفت جهان پناهی
گر عشق تو راهبر نباشد
ای هشت و پناه حق پرستان
ای مونس مفلسان محروم
دین تو دوی مبتلایان
دین تو محبت و مساوات
دین تو ثبات آدمیت
از دین تو شد بلند پر پست
گر جمله جهان فنا پذیرد
ای منظره تجلی حق
تو آدمی و ز آدم اتم
نور تو نخست آفریدند
سر سلسله پیمبران
چرخ است زمین بارگفت
در پیش تو سنگ ها به تصدق

حق است ز رفعت آشکارا
در پر دو جهان پناه آدم
گل های سلام می فشاند
جز راه تو نیست هیچ راهی
کس را به حرم گزیده نباشد
وی یاور و یار زنده دستار
وی حامی بندگان مظلوم
منشور حقوق بیواپلاند
آیین مودت و مودت
تأمین حیات آدمیت
اسلام سراسر انقلاب است
بنیاد حرم خلل نگیرد
وی آینه جمال مطلق
در عالی و برون ز عالم
پس جان به تن جهان نمیدند
تو سرور جمیع سرورانه
خورشید به سایه پناحت
در هجر تو چوب خشک نالید

هم بره پخته با تو گویاست کز من مغوری که زهر آلاست^۵
از کینه چه کینه خواهی آرد؟ حق حفظ ترا به عهده دارد^۶
از سنگ عدو ترا چه اندوه؟ لرزید به زیر پای تو کوه^۷
در بدر و چنین ایستادی پاسخ به سوال کفر دادی
تو میر و ترا سپاه بسپارد ~~سرباز تو~~ اند قدسیان نیز^۸
حق فعل ترا از آن خود خواند^۹ گفتار ترا بیان خود خواند^{۱۰}
با عدلی تو ظلم از جهان رفت حق آمد و باطل از میان رفت^{۱۱}
ای ایرونی تو اصل قرآن^{۱۲} کفر است به جز تو دین و ایمان
دین سبزی تو همه فساده باشد گمراهی جاودانه باشد
ای ایبر کهر فشان رحمت وی قلمز بی کران رحمت
تو رحمتی از برای انسان ای رهبر و رهنمای انسان
دشمن به تو جور و بس جفا کرد بی حد و حساب ظلم ها کرد
از کرده دشمنان گذشته با رحمت بی کران گذشته
اعلنا چو مسخر تو گشتند کردی همه را معاف و خرسند
صد ملک دل آن زمان گرفتی با نیم نظر جهان گرفتی
مانند تو دلبری که داند؟ سرداری و سروری که داند؟
دل های همه به دست افتاد این فتح مبین خدا ترا داد^{۱۳}
ذات تو بلند تر از دنیاست دنیا به در تو جبهه فرساست
چشت که وزای عرش بیند کی منظر فرش برگزیند؟
پیش تو عراق و ری چه باشد؟ تخت جم و تاج کی چه باشد؟
کر مکه و شام را گرفتی از بهر نجات ما گرفتی
هم لات و منات را شکستی هم بند ستگری گستی
تو رحمتی و نشان رحمت از بهر جهان، جهان رحمت^{۱۴}
تهذیب و تمدن زمانه ممنون تو جمله جاودانه

زن زنده پور رسی شد
 محروم ز حق زندگی بود
 زنجیر ز پای او گشادی
 آن گونه مطهرش شمردی
 تعلیم تو، احترام انسان
 پیغمبر حق خصال هستی
 حق سایه به تو نمی پسندد
 ای فقر و جهاد خرقه هایت^۱
 فقر تو بود هنوز برجا
 یک آن تو وسعت زمان است
 از بیت حرم به بیت اقدس^۸
 از جمله مقامها گذشتی
 در پای گذاشتی تو کونین
 جای تو بود مقام محمود^{۲۰}
 "ما زاغ" به وصف دیده تست^{۲۱}
 پس نام نکو تراست شاها
 یلسین و مصدق و مکرم
 جواد و کریم و حق و محمود
 اسهای ترا شمار نبود
 یزدان چو ترا نمونه گوید^{۲۲}
 ای شان تو لایبی بعدی^{۲۳}
 در مدح تو محو صد نظامی
 از حسن تو من سخن چه رانم
 تو جلوه اول خدائی
 حق ذکر ترا بلند فرمود^{۲۵}
 از جمله دور کرده من شد
 مکرم به بندگی برد
 وز بند غمش نجات دادی
 نامش به نماز و عطر بردی^{۱۵}
 تفهیم تو، باخلاق احسان
 تو آدم بی مثال هستی
 مانند تو نقش کی ببندد؟^{۱۶}
 سرهای شهان به زیر پایت
 کو قیصر و کوشکوه کسری؟
 یک گام تو ساحت مکان است
 رقی به دمی به چرخ اطلس
 وز سدره منتهی گذشتی
 جای تو و رای قاب قوسین^{۱۹}
 آن جای که شاهد است مشهود
 شاهد صفت حمیده تست
 مزمل و مصطفی و طه^{۱۷}
 منصور و مبشر و محرم
 مصباح و سراج و هاد و مشهود
 ای احمد و حامد و مهد
 وصف تو بشر چگونه گوید؟
 مداح تو صد هزار سعدی
 صد مولوی و هزار جامی
 لال است به وصف تو زبانم
 تو آخر جمله انبیائی^{۲۴}
 اخلاق ترا پسند فرمود^{۲۶}

صد جا به کتاب نلم تو برد
 ای ذکر جمیل تو عبادت
 والنجم بود ستاره تو^{۲۸}
 تنها نه زمین شدت مسلم
 تا از تو اشاره کشت ناکه
 ای جسم تو پاک تر ز جان ها
 هر چند میان خاک هستی
 تو آیت رحمت خدای
 هم سخن کمال یافت از تو
 هم عقل رسید در پناحت
 چون شرع تو نقد خود نشان داد
 قرآن گو شد چو نغمه گوش
 بسوخ به پیش حرمت اجمیل
 تا حشر توئی یگانه مهل^{۲۹}
 ای اول و آخر نبوت
 تو حاضر و غیب را علمی
 اسرار حقیقت از تو مفلوظ
 حرف تو بود دلیل قاطع
 تا چهره روشت نمودی
 ما بت گروبت پرست بودیم
 باطل منش هلمد پندار
 ما را خیری نبود از حق
 از تست حق آشنائی ما
 گر نام خداست بر زبان ها
 گر مسجد و منبر است بر پای

سو کند به جان پاک تو خورد^{۲۷}
 وی یاد جلال تو سعادت
 شق القمر است اشاره تو^{۲۶}
 فرمان بر تست آسمان هم
 خورشید به خاور آمد از راه^{۲۵}
 وی جان تو برتر از گان ها
 لیکن توز خاک پاک هستی
 فیضان جلال کهریانی
 هم عشق جلال یافت از تو
 هم وحی به صدر پارکوت
 هر مذهب از اعتبار افتاد
 تورات و زبور شد فراموش
 طفلی است به مکتب تو پیریل
 دین تو مکمل است و اکمل^{۳۰}
 وی بلبل و ظاهر نبوت
 داننده حادثه و قدیمی
 پیشانی تست لوح محفوظ
 قول تو به دهر نور سلطع
 ظلمت ز رخ جهان ربودی
 از باده کفر مست بودیم
 یزدان نشناسی اهرمن یار
 بودیم هم به جهل مطلق
 ما از تو شناختیم حق را
 گر ذکر حق است در بیان ها
 گر نقش حقیقت است بر جای

گر صدق و صفا و راست گوئی است از لطف تو و عنایت تست
 ای زندگیت چراغ تابان^{۳۳} انوارِ ترا نهایتی نیست
 ای درِّ یتیمِ بحرِ تخلیق خورشید و فلک مسخرِ تو
 افلاک مکمل از کمالت هستی ز تو خواستار یاری است
 در شأن تو گفت ایزد پاک ای خاک درِ تو افسرِ من
 زین مایه‌ام افتخار باشد من سر به فلک چرانسایم
 ای رحمتِ کبریا ترحم ما سوخته جانِ دردمندیم
 بر ما شده تنگ عرصه زبست تا دامن تو ز دست دادیم
 کم کرده رهیم از جهالت دور از تو حیات نیست ما را
 مائیم چو نخل خشک صحرا ای چاره دردها نگاهت
 بنا به حریم خویش راهی ما را بنواز از نگاهت

ای مظهرِ حق درود بر تو

پیغمبرِ حق درود بر تو

حواله جات

- ۱- ان الله و ملائكته يصلون على النبي (قرآن ۳۳ : ۵۶)
- ۲- ان اول ما خلق الله نوري (حديث)
- ۳- تلميح به حديث -
- ۴- ايضاً -
- ۵- ايضاً -
- ۶- والله يعصمك من الناس (قرآن ۵ : ۶۷)
- ۷- تلميح به حديث -
- ۸- اذ جاءكم جنود فارسنا عليهم ريحاً و جنوداً لم تروها (قرآن ۳۳ : ۹)
- ۹- و ما رميت اذ رميت ولسكن الله رسي (قرآن ۸ : ۱۷)
- ۱۰- وما ينطق عن الهوى ، ان هو الا وحى يوحى (قرآن ۵۳ : ۳)
- ۱۱- جاء الحق و زهق الباطل (قرآن ۱۷ : ۸۱)
- ۱۲- من يطع الرسول فقد اطاع الله (۳ : ۸۰)
- ۱۳- انا فتحنا لك فتحاً مبيناً (۱ : ۳۸)
- ۱۴- وما ارسلناك الا رحمة للعالمين (۲۱ : ۱۰۷)
- ۱۵- حبيب الى من دنياكم ثلاث الطيب و النساء و قره عيني في الصلوة (حديث)
- ۱۶- مفهوم اين شعر از ميرزا اسد الله خان غالب اخذ شده است -
- ۱۷- لي خرقتان الفقر و الجهاد (حديث)
- ۱۸- سبحان الذي اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى (قرآن ۱۷ : ۱)
- ۱۹- فكان قاب قوسين او ادنى (قرآن ۵۳ : ۹)
- ۲۰- عسى ان يبعثك ربك مقاماً محموداً (قرآن ۱۷ : ۷۹)
- ۲۱- ما زاغ البصر وما طغى (قرآن ۵۳ : ۱۷)
- ۲۲- لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة (قرآن ۳۳ : ۹۱)
- ۲۳- حديث -
- ۲۴- ما كان هدى آباء احد من رجالكم و لكن رسول الله و خاتم النبيين (قرآن ۳۳ : ۳۰)
- ۲۵- و رفعنا لك ذكرك (قرآن ۹۳ : ۳)
- ۲۶- انك لعلمى خلق عظيم (قرآن ۶۸ : ۳)

۲۷- لعمرک (قرآن ۱۵ : ۷۲)

۲۸- سوره قرآن که شامل ذکر معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم است -

۲۹- اقتربت الساعة و الشق القمر (قرآن ۵۳ : ۱)

۳۰- معجزه حضرت پیغمبر علیه السلام که ذکرش در حدیث آمده است -

۳۱- دوام رسالت محمدی موعود است طبق آیه شریفه : انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون
قرآن (۱۵ : ۹)

۳۲- اليوم اکملت لکم دینکم — الخ (قرآن ۳ : ۵)

۳۳- سراجا منیرا (قرآن ۳۳ : ۳۶)

۳۴- حدیث -

